

سنت الهی در برخورد با برهم زندگان امنیت جامعه اسلامی (رهنمودی امنیتی برای شرایط بحران)

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اسلامی (مدبّر)*

اشاره

قرآن کریم، در آیاتی مهم، رهنمودهایی اثرگذار برای حفظ امنیت و آرامش جامعه و امت اسلامی در شرایط بحران، از جمله دوران جنگ، بیان داشته است که در این مقاله به یک نمونه از آن‌ها (سنت الهی در برخورد با برهم زندگان امنیت جامعه اسلامی) اشاره می‌کنیم:

خدای سبحان در آیات ۶۰-۶۲ سوره احزاب، از سه گروه آشوبگر در شهر مدینه یاد کرده و درباره احکام و اوصاف آنان رهنمودهایی امنیت آفرین و آرامش بخش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان داده است: ۱. منافقان؛ ۲. بیمار دلان؛ ۳. مُرجِفون^۱ (شایعه پراکنان): «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. «المرجفون» جمع «مُرجِف» و مرجف از ریشه «رَجَف» است. این ریشه به معنی اضطراب (لرزش) است و به لرزش زمین و لرزش قلب و مَوَاج شدن دریا «رَجَف» می‌گویند (احمد بن فارس بن زکریا ابو الحسن، معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص ۴۹۱)؛ همچنین رجف به اضطراب شدید معنا شده است (محمد بن حسن ابن دُرید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۴۶۳؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۴۴). به گفته زمخشری نیز، رجف به معنی جنبیدن و لرزیدن، و «رَجَفَة» به معنی زلزله است (ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی، مقدمة الأدب، ص ۱۳۱).

واژه «اراجیف» از همین ریشه، وصف اخبار و گزارش‌های بی پایه است. این واژه، جمع «ارجاف» است (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۴، ص ۱۳۶۳) و ارجاف به معنی فتنه انگیزی و ایجاد اضطراب است؛ با کار یا با سخن و شایعه، و گفته شده اراجیف خاستگاه‌های فتنه‌ها هستند (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۴۴). این گونه اخبار، هم خود لرزان و سست و بی پایانه اند؛ هم شنوندگان را مضطرب و سست می‌کنند. علامه طباطبایی می‌گوید: «ارجاف» به معنای اشاعه (پراکندن و منتشر کردن) باطل است، برای ایجاد اضطراب و تزلزل (سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدَاوَا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا * سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». (سوگند یاد می‌کنم، اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و شایعه‌افکنان در مدینه، از کارهایشان باز نایستند، قطعاً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم تا از مدینه بیرونشان کنی؛ آن‌گاه جز زمانی کوتاه در مجاورت تو در این شهر نخواهند زیست. این، در حالی است که آنان لعنت شده‌اند؛ هر کجا یافت شوند باید دستگیر گردند و همگی به سختی کشته شوند. تبعید و کشتن منافقان و هم‌مسلمانان آنان - که طغیانگری را از حد می‌گذرانند - سَنَّتِی است که خدا آن را در میان کسانی که پیش از شما درگذشته‌اند، جاری ساخته است، و هرگز در سنت خدا تغییر و دگرگونی نخواهی یافت).

بر پایه روایتی که در شأن نزول این آیه نقل شده، این آیه درباره منافقانی در شهر مدینه نازل شده است که اخبار و شایعاتی بی پایه را درباره رسول اکرم ﷺ، هنگامی که آن حضرت برای غزوه ای از مدینه خارج می‌شد منتشر می‌کردند؛ مانند اینکه آن حضرت در جنگ کشته یا اسیر شده است. این شایعات موجب غم و اندوه مسلمانان می‌شدند و آنان در این باره به رسول خدا شکایت می‌کردند. پس خدا درباره این پدیده، آیه «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ ... قَلِيلًا» را نازل کرد.^۱

در جنگ احزاب که از دشوارترین جنگ‌های صدر اسلام بود، سه گروه در مدینه گرفتار بیماری اجتماعی و سیاسی بودند:

۱. «منافقان»؛ آنان کسانی بودند که در ظاهر ادعای ایمان داشتند و با مؤمنان در تعامل بودند و در دل، کافر و با کافران و مشرکان هماهنگ بودند.

۲. «بیماردلان»؛ آنان نیز گروهی سست‌ایمان بودند که قرآن کریم با تعبیر «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» از آنان یاد می‌کند.

۳. «مرجفون»؛ اینان نیز شایعه پراکنانی بودند که در فرصت‌هایی خاص و به‌ویژه در

المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۰). بر این اساس، مرجفون در فرهنگ قرآن، متناسب با معنای لغوی آن، به معنی شایعه پراکنانی است که با انتشار اخبار دروغ و بی پایه، روحیه مردم را متزلزل و آنان را مضطرب می‌کنند تا به اهداف پلید خود برسند.

۱. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷.

بحران‌هایی مانند جنگ، نقش مخرب (سست کردن اراده مردم و برهم زدن امنیت و آرامش مردم و جاسوسی برای بیگانگان) داشتند. آنان گروه مستقلی در برابر دو گروه پیشین نبودند، بلکه همان منافقان داخلی یا یهودیان اطراف مدینه بودند که در مقاطعی سمت خاص خود را ایفا می‌کردند و پایگاه فکری ثابتی نداشتند، بلکه به دیگران وابسته بودند.^۱

برپایه آنچه گذشت، آیات یادشده، که با سوگند آغاز می‌شوند: «لَئِنْ»، طی چندین رهنمود سازنده، هم وظیفه رهبر جامعه و نظام اسلامی در رفتار با فسادانگیزان را بیان می‌کنند؛ هم به برخی اوصاف آنان، اشاره می‌کنند. این سه گروه باید از این کار خود دست بردارند و گرنه خدا پیامبر و به تبع وی مؤمنان را بر ضد آنان بسیج می‌کند تا سرانجام ناچار شوند شهر مدینه را ترک کنند. رهنمودهای آیات بدین شرح اند:

۱. تبعید از شهر مدینه؛ خدای سبحان به پیامبر اکرم می‌فرماید اگر منافقان و بیمارداران که در پی فساد انگیزی هستند و همچنین کسانی که در مدینه اخبار و شایعات دروغی را میان مردم انتشار می‌دهند تا مسلمانان را مضطرب و متزلزل کنند، از کار خود (فساد انگیزی) دست بر ندارند، و در پی تحقق اهداف شیطانی خود باشند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم و مأمور می‌کنیم تا بر ضد ایشان قیام کنی، و نگذاری در مدینه در همسایگی تو زندگی کنند، بلکه باید از این شهر اخراج، و به سرزمینی دیگر تبعید شوند: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ».

۲. اجرای بی‌درنگ حکم تبعید؛ این حکم باید بی‌درنگ اجرا شود و رهبر جامعه اسلامی نباید جز مدتی اندک مهلتشان دهد، و مراد از این مدت کم، فاصله میان مأمور شدن رهبر جامعه اسلامی، و اجرای این حکم است^۲: «ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا».

۳. این فسادانگیزان پلید، مورد لعنت خدا و مؤمنان هستند: «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا» و لعنت به معنی دوری از رحمت خداست.^۳

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۳۷. همان گونه که ممکن است فضیلت‌های پرشماری با هم در یک انسان مؤمن جمع شوند، بیماری‌های نفاق و مرض قلب و ارجاف (شایعه پراکنی به نفع دشمن) نیز می‌توانند در یک نفر گرد آیند (عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۶۶، ص ۴۳۶).

۲. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۰.

۳. ر.ک: خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۱۴۱؛ ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی، مقدمة الأدب، ص ۱۸۲؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۴۱.

۴. دستگیری و کشته شدن به بدترین و دشوارترین گونه قتل^۱؛ این سه گروه هنگامی که از شهر مدینه رانده شدند و از تحت حمایت حکومت اسلامی طرد گشتند، هر جا یافت شوند، گرفته خواهند شد و به قتل خواهند رسید^۲: «أُخِذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا». از نظر اسلام، مجازات شایعه سازی به قصد ضربه زدن به اساس نظام اسلامی و خیانت به آن و همکاری با دشمن، اعدام است.^۳

۵. کیفرهای یادشده (تبعید، دوری از رحمت الهی و کشته شدن به بدترین شکل)، سنتی الهی است که در صورت اصرار اینان بر عملکرد خویش، عملی خواهد شد و این، همان سنتی است که در میان امت‌های پیشین نیز بوده و خدا آن را جاری ساخته و هرگاه قومی به راه فساد انگیزی و ایجاد فتنه افتادند و خواستند (برای استفاده‌های پلید و نامشروع)، در میان مردم اضطراب افکنند و لجوجانه و طاغیانانه در این کار فرو رفتند و طغیانگری را از حد گذرانند، خدا آنان را به همین شیوه گرفته و کیفر کرده است و سنت خدا دگرگون ناپذیر است. پس در میان امت اسلامی همان جاری می‌شود که در امت‌های پیشین جاری شده است: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

براین اساس، چنانچه منافقان بخواهند به نفاق خود ادامه دهند و بیمار دلان عملکرد نادرست خود را دنبال کنند، و مرجفان (شایعه پراکنان) با گزارش‌های بد و خبرهای دروغ و بی پایه آرامش و امنیت جامعه را بر هم زنند، و برای بیگانگان جاسوسی کنند، خدا سنت خود را درباره آنان جاری می‌کند.^۴

درباره این آیات، به چند نکته سودمند باید توجه کرد:

۱. امنیت روانی، از بهترین برکات زندگی، به ویژه برای نظامیان در حال نبرد است. گزارش‌های دروغ نظامی، مانند قتل و اسارت و شکست رزمندگان اسلام، هم دل‌های مردم را در شهرها مضطرب می‌کند؛ هم روحیه رزمندگان بی اطلاع از حوادث را در جبهه‌های جنگ. شایعه پراکنان (مرجفون) با نشر اراجیف، یعنی خبرهای لرزان لرزاننده آسیب روانی فراوانی وارد

۱. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸۱.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۱.

۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۶.

۴. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۰. عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر

قرآن کریم، ج ۶۶، ص ۴۳۹.

می‌کنند و از این رو با تهدید صریح و سخت در این آیات تنبیه شده‌اند.^۱

۲. کیفرهای یادشده (تبعید، قتل و ...) حکمی عمومی و همگانی و در هر شرایطی برای سه گروه یادشده در آیه (منافقان، بیماردلان و شایعه افکنان) نیست، چنان‌که از تاریخ اسلام هم بر می‌آید که اینان در شرایط عادی در شهر مدینه و در مجاورت رسول اکرم صلی الله علیه و آله زندگی می‌کردند و کسی متعرض آنان نمی‌شد. پس، چنان‌که لحن این آیات نشان می‌دهد و همچنین از برخی روایات شأن نزول نیز بر می‌آید^۲، اجرای سنت الهی یادشده در آیه سوم درباره آنان برای شرایطی خاص، مانند دوران جنگ است و نیز هنگامی که آنان آشوبگری و فسادانگیزی را به نهایت رسانده و بر عملکرد نادرست خود اصرار ورزند.

۳. اجرای این احکام به فرمان رهبر جامعه اسلامی^۳ و با تدبیری است که مسئولان نظام اسلامی می‌اندیشند و برای آن برنامه اجرایی تعیین و اعلام می‌کنند. بنا براین، هیچ کس حق ندارد درباره این امور حساس سیاسی و نظامی و امنیتی خودسرانه عمل کند که گاه عمل خودسرانه آنان پیامدهایی ناگوار دارد.

۴. از اینکه خدای سبحان این مجازات‌ها را «سنت الهی» می‌خواند که به هیچ روی تبدیل پذیر نیست، چنین بر می‌آید که خدا شاید از معاصی شخصی بگذرد؛ اما از معاصی مربوط به نظام و جامعه اسلامی و امت اسلامی نمی‌گذرد و هرگاه قومی راه فسادانگیزی و ایجاد ناآرامی را در میان مردم پیشه خود سازند تادر سرکشی بی مانع باشند، خدا چنین سنتی را درباره آنان جاری می‌کند.^۴

فهرست منابع

۱. ابن دُرید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، مقدمه و تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۷. (۳ جلد)
۲. ابوالحسنین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقایس اللغة، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق

۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۶۶، ص ۴۳۷.

۲. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۳. اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۱۴، ص ۴۳۳.

۴. عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۶۶، ص ۴۳۹.

۳. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی، مقدمة الأدب، تحقیق: محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۵۹-۱۳۹۹.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، محقق عطار احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الأولى، ۱۳۷۶ ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ چهارم، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۱۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرةالمعارف قرآن کریم، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۰-۱۳۸۰.